

بررسی تطبیقی قرار نظارت قضائی در حقوق ایران و فرانسه

فریبرز حیدری*

تاریخ دریافت: ۹۶/۹/۳۰

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۱/۱۸

چکیده:

یکی از نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نسبت به قوانین کیفری شکلی سابق، در مبحث قرارهای تأمین، بحث قرارهای نظارت کیفری است. دستورهای مقرر شده ذیل قرارهای نظارتی در ماده ۲۴۷ آ.د.ک، اگرچه شباهت بسیاری با مجازات تکمیلی ماده ۲۳ ق.م.ا دارند، اما از حیث اینکه پیش از صدور حکم، توسط بازپرس و حتی به‌تنهایی صادر می‌شوند، قابل تأمل است. از آنجا که قواعد شکلی آیین دادرسی کیفری فرانسه، یک گام جلوتر و همواره تأثیرگذار بر تحولات قانون آیین دادرسی کیفری ما بوده است، مطالعه تطبیقی بین حقوق ایران و فرانسه در مبحث "قرار نظارت قضائی" و "قرار نظارت با تجهیزات الکترونیکی" از لحاظ مفهوم نظارت، حفظ و رعایت کرامت انسانی، مرجع صدور و... به عنوان یک زمینه‌ی مطالعاتی شایان توجه شناخته می‌شود، تا بتوان در عین حفظ آزادی و کرامت اشخاص، بر رعایت نظم و حقوق جامعه نیز تأکید داشت.

کلیدواژه‌گان:

قرار تأمین، نظارت قضایی، متهم، آزادی، آیین دادرسی کیفری

* کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه گیلان

مقدمه:

همان‌طور که می‌دانیم یکی از ابتدایی‌ترین حقوق هر فردی حق آزادی وی هست. شاید بتوان گفت بعد از حق حیات، حیات آزادی از جمله مهم‌ترین جنبه‌های حقوق بشر، بلکه لازمه آن است، به عقیده امام خمینی آزادی حق اولیه بشر است که در همان آغاز خلقت به او اعطا شده است. آزادی که همواره امام از آن به نعمت بزرگ الهی، هدیه آسمانی و امانت الهی یاد می‌کند امتیاز به حساب نمی‌آید تا دولتی آن را اعطا و یا احیاناً پس بگیرد. آزادی حقی است همانند حق حیات که آدمی قبل از تشکیل جامعه و دولت از آن برخوردار است و دولت نیز موظف به پاسداری از حریم آن است (فدوی، تقی زاده، ۱۳۹۰: ۴۹). این مهم نه تنها در قوانین اساسی کشورها مورد اشاره واقع شده، بلکه بر تمامی قوانین کیفری چه شکلی و چه ماهوی سایه افکنده است. یکی از این آزادی‌های مشروع افراد در جامعه آزادی تن است، اما گاهی اوقات در جوامع سازمان‌یافته با اختیاراتی که شهروندان به قوه مقننه تفویض می‌کنند، قانون‌گذار با تصویب قوانین خاص اقدام به محدود کردن این آزادی‌ها می‌کند، لذا اصل بر آزادی تن بوده و موارد محدودکننده آزادی از موارد استثنایی است که قانون‌گذار می‌بایست صراحتاً به ذکر این موارد بپردازد (جوانمرد، ۱۳۸۵: ۱۰۹). با تصویب آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ تغییرات قابل‌ملاحظه‌ای در بخش قرارهای تأمین و نظارت قضائی ایجاد شده است، به طوری که در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸، ماده ۱۶ به قرارهای تأمین اختصاص داده شده بود، در حالی که در فصل هفتم از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، تحت عنوان قرارهای تأمین و نظارت قضائی، ماده ۴۵ به این مبحث اختصاص داده شده، هر چند که افزایش کمی در این زمینه همیشه به معنای کامل شدن قوانین در رعایت حفظ حقوق متهم و جامعه نیست بلکه در برخی مواقع باعث تورم قوانین شده و اثری عکس آنچه تصور می‌شود دارد، ولی نوآوری‌هایی در این فصل ملاحظه می‌شود که هیچ سابقه‌ای در قوانین ایران نداشته و با ملاحظه این موارد، شاهد تغییرات مثبتی هستیم. فرآیند دادرسی کیفری فرانسه به‌ویژه قانون آیین دادرسی کیفری این کشور، در چند دهه اخیر دستخوش تغییر و دگرگونی‌هایی بوده است به‌طور مثال در پرتو تصویب قانون ۱۵ ژوئن ۲۰۰۰ درباره تقویت حمایت از اصل برائت و حقوق بزه دیدگان و اصلاح تکمیل آن در قانون ۴ مارس ۲۰۰۲ دنبال گردید و در این مرحله، حدود سیصد ماده از قانون آیین دادرسی کیفری

فرانسه به‌ویژه مقررات مربوط به تحقیقات مقدماتی، حقوق بزه دیدگان، «قاضی آزادی‌ها و بازداشت» و ...تعبیر یافت (تدین، ۱۳۹۱: ۱۸). از این‌رو مطالعه تطبیقی بین حقوق ایران و فرانسه در مبحث قرار نظارت قضائی، چه از لحاظ مفهوم نظارت، چه از لحاظ حفظ و رعایت کرامت انسانی، چه از لحاظ مرجع صدور و ... مطالعه‌ای درخور توجه است چراکه قواعد شکلی آیین دادرسی کیفری فرانسه، همواره تأثیرگذار بر تحولات قانون آیین دادرسی کیفری ما بوده است. در این نوشتار تلاش شده است که با تکیه بر متون قانونی هر دو کشور، جلوه‌های خاص ناظر بر قرارهای نظارت قضائی ترسیم شود. جلوه‌های ویژه‌ای که می‌تواند به‌تدریج زمینه‌های شکل‌گیری رعایت هرچه بهتر حقوق متهم را در حین این‌که بر مقرراتی که بر حفظ نظم و امنیت تأکید می‌نماید به وجود آورد.

۱. تبیین مفهوم قرار نظارت قضائی و مفهوم تحت نظر قرار دادن:

«نظارت» در اصل یک واژه عربی است که از ماده «نظر» و به معنای نگاه توأم با تأمل و اعتبار آمده است و بیشتر به معنای حاصل مصدر یعنی به رأی صادره از سوی ناظر به کار می‌رود (عمید زنجانی و همکار، ۱۳۸۹: ۱۴). همچنین «نظارت» را عمل ناظر، و ناظر را در اصطلاح به معنای کسی که بر کار دیگری نظارت می‌کند تا عمل او به‌صورت صحیح صورت گیرد معنا کرده‌اند. جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱، ج ۵: ۳۶۵۰. (تا مدتی پیش‌ازین، مراد از نظارت قضایی، با مفهومی که در آیین دادرسی کیفری امروزه شناخته‌شده تفاوت داشت، به قول یکی از نویسندگان: «نظارت قضائی، نظارتی است که از سوی قوه قضائیه اعمال می‌گردد و یکی از اصول پذیرفته‌شده حقوقی در غالب نظام‌های حقوقی دنیا به شمار می‌رود. این اصطلاح به‌طور خاص در خصوص نظارت نهاد قضایی بر اقدامات و تصمیمات مقامات اجرایی و قدرت‌های حکومتی به کار می‌رود» (بهادری، ۱۳۸۹: ۳۲). اما امروزه نظارت قضایی، خصوصاً زمانی که تحت عنوان «قرار نظارت قضائی» قرار می‌گیرد، با مفهوم گذشته خود تفاوت بسیاری دارد. باوجود شباهت این دو اصطلاح، مفهوم تحت نظر گرفتن، مفهومی بسیار کلی‌تر از مفهوم قرار نظارت قضائی است. تحت نظر، اختیار و نه حقی است که به ضابطان دادگستری اجازه می‌دهد تا در شرایطی خاص، افراد مظنون به ارتکاب جرم را برای مدتی که امروزه در بسیاری از کشورها با لحاظ شدت مجازات جرم یا نوع

جرم ارتكابی تعیین می‌شود، به‌منظور حصول نتایج موردنظر قانون‌گذار در اماکن پلیس نگه‌داری کنند. غالباً در جریان تحت نظر پلیس می‌تواند به جمع‌آوری دلایل ضروری بپردازد و مانع از بین رفتن آثار و دلایل جرم و گسترش دامنه پيامدهای آن گردد (آشوری، سپهری، ۱۳۹۲). بدین گونه نظارت بسته به کارکرد آن که برای کشف جرم، پیشگیری از جرم، جایگزینی حبس و... می‌تواند بار معنایی خاصی داشته باشد و با توجه به هدفی که برای آن (در مرحله تعقیب، هنگام صدور حکم و اجرای مجازات) لحاظ می‌شود متفاوت است؛ زمانی نظارت و تحت نظر گرفتن نه‌تنها رعایت حال متهم و احترام به آزادی او است، بلکه اقدامی مناسب جهت کاستن از شمار زندانیان و جامعه کیفری است. از جمله نظارت‌های با این معنی می‌توان به ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲^۱ و ماده ۷-۷۲۳ قانون آیین دادرسی کیفری و ماده ۱-۲۶-۱۳۲ قانون جزای فرانسه، اشاره کرد^۲. نظارت به این معنی بیشتر پس از صدور حکم و هنگام اجرای مجازات، مورد استفاده قرار می‌گیرد و همان هدفی را دنبال می‌کند که نهادهای آزادی مشروط، تعلیق مجازات دنبال می‌کنند. اما زمانی نظارت بدون رضایت و قبل از محکومیت فرد در نظر گرفته می‌شود، که هم به‌صورت فیزیکی و هم به‌صورت الکترونیکی مورد توجه قانون‌گذار واقع شده. مطابق ماده ۴۶ ق.م.ا.م.صوب ۱۳۹۲، ضابطان نمی‌توانند متهم را تحت نظر بگیرند مگر در جرائم مشهود، که نگه‌داری وی برای تکمیل تحقیقات لازم باشد که در این صورت نیز ضابطان مجاز به تحت نظر گرفتن بیشتر از بیست و چهار ساعت متهم نمی‌باشند. نظارت پیش‌بینی شده در این ماده، قدیمی‌ترین نوع نظارت است که به‌صورت فیزیکی پیش‌بینی شده است. البته این نوع تحت نظر گرفتن هرچند موجب بازداشت فرد می‌شود ولی نباید ماهیت آن را با "قرار بازداشت موقت" یکی دانست؛ عبارت «نگه‌داری متهم برای تکمیل تحقیقات» که در ماده ۴۶ قانون آیین دادرسی کیفری ذکر شده بیانگر تفاوت ماهیت این مفهوم با مفهوم بازداشت موقت است و شرایط

۱. ماده ۶۲ ق.م.ا.م.صوب ۱۳۹۲: «در جرائم تعزیری از درجه پنج تا درجه هشت، دادگاه می‌تواند در صورت وجود شرایط مقرر در تعویق مراقبتی، محکوم به حبس را با رضایت وی در محدوده مکانی مشخص تحت نظارت سامانه (سیستم) های الکترونیکی قرار دهد».

۲. ماده ۷-۷۲۳ ق.ا.د.ک فرانسه: «در صورت محکومیت به یک یا چند مجازات سالب آزادی که مدت کلی آن از دو سال تجاوز نمی‌نماید یا هنگامی که برای محکوم، یک یا چند مجازات سالب آزادی که مدت کلی آن از دو سال تجاوز نمی‌کند، باقی‌مانده است، قاضی اجرای مجازات می‌تواند در نظر بگیرد که مجازات تحت نظام استقرار تحت نظارت الکترونیکی تعریف شده توسط ماده ۱-۲۶-۱۳۲ قانون جزا اجرا خواهد شد.»

تحت نظر گرفتن، نحوه تحت نظر گرفتن و ... در مواد ۴۷ الی ۵۳ ق.آ.دک مصوب ۱۳۹۲ بیان شده است. این نوع تحت نظر گرفتن در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، در بند اول ماده ۶۳ این گونه بیان شده است: «افسر پلیس قضایی می‌تواند به خاطر ضرورت تحقیقات، هر شخصی که یک یا چند دلیل قابل قبول مبنی بر ارتکاب جرم یا شروع به جرم توسط او وجود داشته باشد را تحت نظر قرار دهد. وی موظف است که از ابتدای تحت نظر، دادستان شهرستان را در جریان امر قرار دهد. شخص تحت نظر را نمی‌توان بیشتر از بیست و چهار ساعت در بازداشت قرار داد». از جمله اقداماتی که برای پیشرفت بازجویی، اساسی و مهم تلقی می‌شود، تحت نظر قرار دادن فردی است که احتمال وقوع بزه توسط وی وجود دارد. اگر در متون قانونی آیین دادرسی کیفری ایران، چندان از واژه «تحت نظر» استفاده نشده است^۱، قواعد مرتبط با «تحت نظر (grade à vue)» در آیین دادرسی کیفری فرانسه تحولات متعددی را به خود دیده است. اما نوع غیر فیزیکی آن که بیشتر برای کشف جرم و تعقیب مجرم استفاده می‌شود و خواه‌ناخواه با حریم خصوصی اشخاص گره می‌خورد تحت نظر گرفتن با وسایل الکترونیکی است که با وسایل مختلفی صورت می‌گیرد، از این قبیل است کنترل ارتباطات مخابراتی، یا همان شنود مکالمات، «معنای شنود مکالمات علاوه بر مفهوم سنتی خود که معادل استراق سمع یا همان گوش فرادادن پنهانی به سخنان دیگری است، در حال حاضر با توسعه فن‌آوری‌های ارتباطی حیطه فراتری یافته و شامل بسیاری از محتواهای در حال انتقال و حتی ذخیره شده رایانه‌ای از قبیل پیامک‌ها و یا نامه‌های الکترونیکی نیز می‌شود» (عظیمی، عبدالله زاده، ۱۳۹۱: ۱۸۴). به عنوان مثال ماده ۱۵۰ ق.آ.دک مصوب ۱۳۹۲ بیان می‌دارد: «کنترل ارتباطات مخابراتی افراد ممنوع است، مگر در مواردی که به امنیت داخلی و خارجی کشور مربوط باشد یا برای کشف جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲)^۲ این قانون لازم تشخیص داده شود. در این صورت با موافقت رئیس کل دادگستری استان و با تعیین مدت و دفعات کنترل، اقدام می‌شود.

۱. برای اطلاع بیشتر پیرامون نگهداری تحت نظر در حقوق ایران و فرانسه رک: آشوری، محمد، سپری، روح‌الله، (۱۳۹۲)، «بررسی تطبیقی مرحله تحت نظر در آیین دادرسی کیفری ایران و فرانسه»، آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۶.
 ۲. ماده ۳۰۲ ق.آ.دک مصوب ۱۳۹۲: «به جرائم زیر در دادگاه کیفری یک رسیدگی می‌شود: الف) جرائم موجب مجازات سلب حیات ب) جرائم موجب حبس ابد پ) جرائم موجب مجازات قطع عضو و جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی با میزان ثلث دیه کامل یا بیش از آن (ت) جرائم موجب مجازات تعزیری درجه چهار و بالاتر (ث) جرائم سیاسی و مطبوعاتی.»

کنترل مکالمات تلفنی اشخاص و مقامات موضوع ماده (۳۰۷)^۱ این قانون منوط به تأیید رئیس قوه قضائیه است و این اختیار قابل تفویض به سایرین نیست». شبیه چنین تحت نظر قرار دادنی در ماده ۱۰۰ ق.آ.د.ک فرانسه پیش‌بینی شده است که بیان می‌دارد: «در موضوعات جنایی و جنحه‌ای، اگر مجازات قانونی، برابر یا بیشتر از دو سال حبس باشد، بازپرس می‌تواند زمانی که ضرورت‌های تحقیق، این موضوع را ایجاب کند، رهگیری، ضبط و ثبت ارتباطات صورت‌گرفته از طریق وسایل مخابراتی (ارتباطی) را تجویز نماید. این اقدامات تحت اقتدار و نظارت او انجام می‌شود. تصمیم به رهگیری، به صورت کتبی و فاقد وصف قضایی و غیرقابل تجدید نظرخواهی است» البته با این تفاوت که در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه جزئیات و مدت تحت نظر داشتن و خطوط قرمز این نوع تحت نظر گرفتن به‌طور مفصل در مواد ۱-۱۰۰ الی ۷-۱۰۰ بیان شده است. بنابراین مفهوم تحت نظر مفهومی کلی است که شامل مراقبت، کنترل فیزیکی، الکترونیکی، مخابراتی و ... می‌شود و فارغ از چهارچوب قرار در حالات مختلف، قبل و بعد از صدور حکم و حتی هنگام اجرای مجازات می‌توان به آن‌ها متوسل و از آن‌ها استفاده کرد؛ اما قرارهای نظارت همیشه پیش از صدور حکم و اکثراً در دادسرا صادر می‌شود و زمانی که دلایل کافی بر ارتکاب جرم توسط شخص وجود داشته باشد، با هدف دسترسی به متهم و حضور به‌موقع وی، جلوگیری از فرار یا مخفی شدن او صادر می‌شود.^۲ در ادامه با توضیح بیشتر این قرار به تفاوت‌های قرار نظارت و مفهوم تحت نظر گرفتن پی‌خواهیم برد.

۱. ماده ۳۰۷ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲: «رسیدگی به اتهامات رؤسای قوای سه‌گانه و معاونان و مشاوران آنان، رئیس و اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، اعضای شورای نگهبان، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و خبرنگاران رهبری، وزیران و معاونان وزیران، دارندگان پایه قضائی، رئیس و دادستان دیوان محاسبات، سفیران، استانداران، فرمانداران مراکز استان و جرائم عمومی افسران نظامی و انتظامی از درجه سرتیپ و بالاتر و یا دارای درجه سرتیپ دومی شاغل در محل‌های سرلشکری و یا فرماندهی تیپ مستقل، حسب مورد، در صلاحیت دادگاه‌های کیفری تهران است، مگر آنکه رسیدگی به این جرائم به‌موجب قوانین خاص در صلاحیت مراجع دیگری باشد».

۲. اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضائیه در نظریه مشورتی شماره ۱۹۷۶ / ۸-۷ / ۵ / ۶۷ این‌گونه اظهارنظر نموده است: «زندانی و بازداشتی به‌عنوان تحت نظر بودن در قانون پیش‌بینی نشده تا بحث از شمول مقررات مربوط به زندان‌ها در مورد آن مطرح شود... چون در فاصله تکمیل پرونده و اخذ تأمین قضایی، مظنون به ارتکاب جرم زندانی نیست و درعین حال به‌منظور جلوگیری از فرار احتمالی باید در دسترس مأمورین باشد. اصطلاح تحت نظر به‌کاررفته یعنی تا اعزام به مرجع قضایی زیر دید مأمورین قرار گیرد.»

۳. اهمیت‌دهی به قرار نظارت قضائی در دو کشور:

قواعد آیین دادرسی کیفری جای بسیار بااهمیت و درعین حال هنوز ناشناخته‌ای را در تدوین سیاست جنایی سنجیده تقنینی به خود اختصاص می‌دهد. قواعدی که ممکن است برای تأمین و حفظ و حمایت بهتر از حقوق و آزادی‌های افراد جامعه به کار گرفته شود و یا خود به ابزار شکلی در راستای تأمین هدف سرکوبگری حقوق جزا تبدیل شود و از این طریق سهم خاصی را در امر مبارزه با رفتارهای مجرمانه بر عهده گیرد؛ از این‌رو، سازمان‌دهی و تنظیم مقررات آن، نیازمند دقت و گزینش انتخاب‌های اساسی و مهم است (مجیدی، ۱۳۸۴: ۱۴۴). امروزه در تعداد کثیری از کشورهایی که حقوق پیشرفته دارند، سیاست قانون‌گذار نه فقط در جهت محو و حذف بازداشت اجباری متن تنظیم و تنسیق گردیده، بلکه سعی وافر و جهد بلیغ می‌شود که بیش و پیش از استفاده از قرار بازداشت موقت اختیاری، بدو از "قرارهای کنترل قضایی" استفاده شود (شریفی، ۱۳۸۰: ۹۳). منظور از کنترل قضایی، جایگزین ساختن امکانات و تأمینات متنوع دیگر به‌جای بازداشت است. اعمال آیت مکانیسم در کشورهایی مثل بلژیک، فرانسه، آلمان، ایتالیا متداول است (همان، ۱۳۸۰: ۹۳). اصل برائت ایجاب می‌کند پیش از تعیین تکلیف نهایی موضوع اتهام و صدور حکم قطعی، هیچ‌گونه محدودیتی نسبت به آزادی‌های شخصی و یا اموال تحت پیگرد، صورت نگیرد، اما از سوی دیگر ضرورت تحقیق، ممانعت از فرار، تبانی و به‌ویژه جلوگیری از تضییع حقوق بزه‌دیدگان و قربانیان جرم نیازمند این است که در پاره‌ای از موارد قبل از اعلام نظر قضایی، آزادی متهم سلب یا محدودیت‌ها و تعهداتی برای او و سایر افراد ایجاد شود (پور رجب قاضی محله، ۱۳۹۲: ۶۹) از سوی دیگر همان‌طور که پیش‌ازاین بیان شد، آزادی و جلوگیری از توقیف غیرقانونی اشخاص یکی از اصول مهم در قوانین اساسی کشورهاست، اما در قانون آیین-دادرسی کیفری زمانی که صحبت از توقیف قانونی می‌آید، رویکردها متفاوت است، چه از لحاظ قلمروی توقیف و چه نحوه توقیف و... به‌طوری‌که ماده ۱۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه بیان می‌دارد: «هر شخص تحت بررسی (متهم) بی‌گناه فرض می‌شود و آزاد باقی می‌ماند. بااین‌وجود، به علت ضرورت‌های تحقیق یا به‌عنوان تدابیر تأمینی، می‌توان او را به تبعیت از یک یا چند مورد از الزامات نظارت قضایی، یا اگر این الزامات، ناکافی باشد، به حضور در محل سکونت با نظارت الکترونیکی ملزم کرد. به‌صورت استثنایی، اگر الزامات نظارت قضایی یا حضور

در محل سکونت با نظارت الکترونیکی، اجازه دستیابی به این اهداف را ندهد، شخص تحت بررسی می‌تواند بازداشت موقت گردد». بنابراین ترتیب و روال صدور قرار مرحله‌به‌مرحله، از خفیف‌ترین به شدیدترین یعنی از قرار نظارت قضائی به‌سوی بازداشت موقت کاملاً مشخص شده است و مرجع صدور قرار نمی‌تواند خارج از این روال و چهارچوب حرکت نماید. اگر بخواهیم که ماده‌ای در راستای این ماده در قانون آیین دادرسی کشورمان بیابیم، می‌توان از ماده ۲۳۷ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ در مورد قرار بازداشت موقت، نام برد، طبق این ماده اصل بر عدم صدور قرار تأمین بازداشت موقت بوده و به‌تصریح تبصره ماده مذکور، قرار بازداشت موقت الزامی (اجباری)، موضوع قوانین خاص، به‌جز قوانین ناظر بر جرائم نیروهای مسلح حذف شده است. با مشاهده قانون آیین دادرسی کیفری کشورمان تنها متوجه استثنا شدن شدیدترین قرار هستیم، که با سایر قرارهای تأمین کیفری می‌توان آن را محدود کرد. ولی هیچ ترتیبی توسط خود قانون از قرار نظارت قضایی به‌سوی قرارهای تأمین کیفری و به‌تبع شدیدترین آن (بازداشت موقت) پیش‌بینی نشده است. درحالی‌که با مشاهده ماده ۱۳۷ ق.آ.د.ک فرانسه می‌توان به استثناء شدن بازداشت موقت و محدود شدن آن با قرارهای نظارت قضایی پی برد که علاوه بر آن، با قرار نظارت الکترونیکی نیز دامنه آن محدود شده است. البته آیین دادرسی کیفری ما نیز در موارد متعددی به حفظ حقوق متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی اهتمام دارد که توسعه قرارهای تأمین کیفری و نیز تأسیس قرار نظارت قضایی از جمله آن‌هاست. در جرائم و اتهامات معمولی صدور قرار بازداشت منطقی نیست، مخصوصاً زمانی که اقامتگاه متهم مشخص و شخص، فردی شناخته‌شده باشد، قرار بازداشت باید خیلی با دقت اعمال شود به دلیل اینکه آبرو و حیثیت افراد محترم بوده و نباید مورد خدشه قرار گیرد. مراجع قضایی باید قانون را رعایت کنند. قانون‌گذار چارچوب قرار بازداشت را محدود کرده، پس نباید به‌سرعت قرار بازداشت صادر شود مگر در مواردی که قانون مشخص کرده باید این قرار صادر شود^۱. نکته قابل‌تأمل در این زمینه آن

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه و آشنایی کامل با قرار بازداشت موقت (معایب و مزایا) ر.ک:

الف) خالقی، علی (۱۳۸۷)، آیین دادرسی کیفری، تهران، انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، صص: ۲۱۲-۲۱۰.

ب) مؤذن‌زادگان، حسنعلی، «نقد و بررسی قرار بازداشت موقت در قانون دادرسی مصوب ۷۸». پژوهش حقوق عمومی بهار و تابستان ۱۳۸۰، شماره ۴، صص ۱۵۲-۱۱۵.

است که شیوه برخورد با متهم در تاریخ تحولات کیفری همواره در حال تغییر و دگرگونی بوده است، به گونه‌ای که تحولات مربوط در راستای تأمین و تضمین حقوق و آزادی‌های متهم در کنار حقوق جامعه و شاکی خصوصی متحول گردیده است» (شریفی، ۱۳۸۰: ۹۱). بنابراین شاهد تحولات محسوسی توسط قانون‌گذاران در راستای احترام بیشتر به حقوق و آزادی متهمین زمینه قرارهای تأمین کیفری هستیم که به سمت قرارهای نظارت گرایش پیدا کرده‌اند. بنابراین این اهم در آیین دادرسی کیفری فرانسه مدتی پیش‌تر از ما مورد توجه قرار گرفته است و از این‌رو شبهات و نواقص آن تا حدی برطرف شده، البته اقدام قانون‌گذار ما در ایجاد این نهاد در قانون آیین دادرسی کیفری نیز اقدامی مثبت و سازنده است، که نشان از استقبال قانون‌گذار از هر وسیله‌ای برای رعایت هرچه بیشتر حقوق متهم است، هرچند نیاز به بررسی‌های تطبیقی در این زمینه برای استفاده از تجربیات سایر کشورها، جهت برطرف کردن نواقص لازم است.

۴. بازشناسی قرار تأمین قضایی با نظارت قضایی:

۴.۱. شباهت دو قرار:

قرار تأمین کیفری که از آن به‌قرار تأمین یا حتی «تأمین» ذکر شده است طبق ماده ۲۱۷ آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در طول فرایند دادرسی و با هدف دسترسی به متهم و حضور به‌موقع وی، جلوگیری از فرار یا مخفی شدن او، تضمین حقوق بزه‌دیده برای جبران ضرر و زیان وی، حسب مورد توسط مقام تحقیق در دادسرا یا مقام رسیدگی در دادگاه صادر می‌گردد. ضرورت نیل به اهداف قرار تأمین، توسل به هر وسیله‌ای را توجیه نمی‌کند. اولاً ممکن است متهمی که در نتیجه صدور قرار تأمین، قهراً یا عملاً بازداشت می‌شود، نهایتاً تبرئه گردد؛ ثانیاً بنا به قاعده‌الاسهل فالاسهل باید از خفیف‌ترین و درعین‌حال مطمئن‌ترین ابزار برای تأمین هدف مزبور استفاده کرد (ناجی زواره، ۱۳۸۹: ۲۲۸). قرار تأمین کیفری نقطه تلاقی چند حق است، یکی حق متهم در برخورداری از حقوق انسانی و عدم تضییع در حق آزادی رفت‌وآمد و حتی حق مالی او، دیگر حق جامعه و تا حدی حق شاکی خصوصی، که از جمله مستلزم ممانعت از فرار متهم) از تعقیب یا مجازات است) (همان، ۱۳۸۹: ۲۲۸).

همان‌طور که قاضی در تعیین مجازات برای مجرم بنا به اقتضای اصل قانونی بودن مجازات، آزادی عمل ندارد و نمی‌تواند با تعیین مجازات نامتناسب از حدود قانون فراتر رود، مقام قضایی نیز طبق ماده ۲۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری مطلقاً نمی‌تواند به میل و سلیقه خود عمل نموده و همواره می‌بایست معیارها و شاخص‌هایی که مقنن پیش‌بینی کرده را مدنظر قرار داده و بر طبق آن‌ها حرکت کند.

۴.۱.۱. ضوابط عام:

قرار تأمین و نظارت قضایی باید مستدل و موجه و با نوع و اهمیت جرم، شدت مجازات، ادله و اسباب اتهام، احتمال فرار یا مخفی شدن متهم و از بین رفتن آثار جرم، سابقه متهم، وضعیت روحی و جسمی، سن، جنس، شخصیت و حیثیت او متناسب باشد (ماده ۲۵۰). ۲- ضوابط خاص: این ضوابط مختص سه نوع قرار التزام، کفایت و وثیقه است. مبلغ وجه التزام، وجه‌الکفاله و وثیقه نباید در هر حال از خسارت وارده به بزه دیده کمتر باشد (ماده ۲۱۹)، در موردی که دیه یا خسارت از طریق بیمه

قابل جبران است، بازپرس با لحاظ مبلغ قابل پرداخت از سوی بیمه قرار تأمین مناسب صادر می‌کند (ماده ۲۳۲) (مه‌بادی، ۱۳۶: ۱۳۹۳)^۱ این همان تناسب ثانویه است که به مقتضای آن می‌بایست بین این سه قرار و خسارت وارده تناسب وجود داشته باشد. نکته‌ای که قابل توجه است اینکه، تناسب نه تنها در زمان صدور هر دو نوع قرار (قرار تأمین و قرار نظارت قضایی) به موجب ماده ۲۵۰ می‌بایست صورت پذیرد، بلکه در ادامه قرار و زمان استمرار آن در طول فرایند دادرسی، باید وجود داشته باشد. ماده ۲۴۳ قانون آیین دادرسی کیفری این اختیار را به بازپرس داده است که در تمام مراحل تحقیقات با رعایت مقررات این قانون، قرار تأمین صادره را تشدید کند یا تخفیف دهد. و این تشدید یا تخفیف اعم است از تبدیل نوع قرار یا تغییر مبلغ آن (تبصره ماده ۲۴۳ آ.د.ک) با توجه به مطلق‌گویی ماده ۲۵۰ آیین دادرسی کیفری عدم تناسب قرار، تنها به مرحله اخذ محدود نشده است بلکه شامل زمانی که این عدم تناسب در زمان استمرار قرار به وجود آید نیز می‌شود و اگر نتوان مقام صادرکننده را مشمول تبصره این ماده، که محکومیت

۱. ر.ک: مقاله «تناسب در قرارهای تأمین» (۱۳۸۹)، از مرتضی ناجی زواره، صص ۲۵۴-۲۳۲ و آیین دادرسی کیفری (قرارهای محدودکننده آزادی)، غلامحسین، مسعود، چاپ اول، انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۷۴.

انتظامی از درجه چهار به بالا را تنها برای اخذ تأمین نامتناسب در نظر گرفته است، قرار داد . لیکن در صورت آگاهی وی و عدم اقدام در راستای متناسب سازی در مواردی که می‌بایست آن را تخفیف دهد یا لغو نماید، مجازات وی بر اساس ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) که بیان می‌دارد: «هر یک از مقامات و مأمورین وابسته به نهادها و دستگاه‌های حکومتی که برخلاف قانون، آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محروم نماید علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت یک تا پنج سال از مشاغل حکومتی به حبس از دو ماه تا سه سال محکوم خواهد شد» بلاشکال است و همچنین در موردی که می‌بایست آن را تشدید نماید و عمداً این کار را انجام ندهد، در جرائم مقید به نتیجه مجازات کردن وی حسب مورد بلامانع است (مثال: مساعدت در فرار محبوسین قانونی، موضوع ماده ۵۴۹ قانون مجازات اسلامی-تعزیرات) بنابراین کلمه "می‌تواند" در ماده ۲۴۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به معنای اختیار مطلق دادن به مقام قضایی برای اعمال یا عدم اعمال تخفیف نیست، بلکه به معنای قائل شدن این عمل و وظیفه به مقام قضایی است که در صورت قائل نشدن آن، وظیفه‌ای را از دوش بازپرس برداشته بودیم!

بنابراین با توجه صدر ماده ۲۴۷ (متناسب با جرم ارتكابی) و با توجه به ذکر قرارهای نظارت در کنار قرارهای تأمین در ماده ۲۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، جای خالی قرار نظارت قضایی در ماده ۲۴۳ پر خواهد شد و هم در ابتدای صدور قرار و هم در زمان استمرار قرار باید تناسب وجود داشته باشد و این عدم تناسب می‌بایست توسط مقام قضایی صالح برطرف شود. و از سویی با توجه به اینکه طبق بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی «اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین» از وظایف قوه قضائیه است، پس بی‌تفاوت نیست که یادآور شویم مقام قضایی صادرکننده قرار تأمین و نظارت قضایی باید اقدام خود را در راستای این بند از قانون اساسی نیز ارزیابی کند و در مواردی که قراروی موجب وقوع جرائم جدید شود از قرارهای جایگزین دیگری استفاده کند از نظر جرم‌شناسی طبق نظریه برچسب‌زنی بازداشت، یک برچسب انحراف و بزهکاری است و فرد را در جامعه (نه در نزد مراجع قضایی) بزهکار معرفی می‌کند به طوری که این برچسب می‌تواند تصویر شخص از خودش را تغییر دهد و موجب شود تا مردم نسبت به آن برچسب و نه به آن شخص واکنش نشان دهند (فرانک پس و دیگران، ۱۵۰:

۱۳۸۳). نهایتاً اینکه تمامی وجوه اشتراک بین قرار تأمین و قرار نظارت قضایی در ماده ۲۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری ذکر شده است

۴.۲. تفاوت دو قرار:

با دقت در صدر ماده ۲۱۷ که مربوط قرارهای تأمین پرداخته متوجه این مطلب خواهیم شد، که در صورت وجود دلایل کافی، تنها یکی از قرارهای تأمین را می‌توان صادر کرد (یکی از موارد ده‌گانه). ولی این محدودیت در قرارهای نظارت قضایی وجود ندارد و مقام قضایی صالح این اختیار را دارد که یک یا چند دستورهای مقرر در ماده ۲۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری را برای متهم صادر نماید. تفاوت دیگری که می‌توان گفت بین این دو قرار (قرار تأمین و نظارت قضایی) وجود دارد، مدت قرار است؛ با این توضیح که بازپرس در صدور قرار نظارت قضایی باید مدت آن را معین نماید (ماده ۲۴۷) این در حالی است که در ماده ۲۱۷ هیچ محدودیتی برای تعیین کردن زمان قرار تأمین وجود ندارد و به عبارتی دیگر تا زمانی که دلایل و ضرورت‌های صدور قرار تأمین وجود دارد و متناسب با قرار است، قرار نیز پابرجاست. مورد دیگری که در اینجا باید به آن اشاره نمود اینکه، تجدیدنظرخواهی از قرارهای نظارت است؛ با این توضیح که به موجب تبصره ۲ ماده ۲۴۷ «قرارهای موضوع این ماده ظرف ده روز از قابل اعتراض در دادگاه صالح است و...». این در حالی است که چنین حقی به متهم در خصوص قرارهای تأمین جز در موارد خاص مانند ماده ۲۳۵ و ماده ۲۳۹ پیش‌بینی نشده است.^۱ لازم است اشاره‌ای به قوانین آیین دادرسی کیفری فرانسه نیز در خصوص اعتراض به قرارهای نظارت قضایی کنیم، ماده ۱۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه حق درخواست رفع نظارت قضایی را هم برای دادستان شهرستان و هم برای شخص بعد از اطلاع دادستان شهرستان قائل شده است.^۲ البته تفاوت‌ها به این سه ویژگی

۱. ماده ۲۳۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مهلتی دهم‌روزه را نه به اصل قرار، بلکه به دستور دادستان مبنی بر اخذ وجه التزام، وجه الكفاله یا ضبط وثیقه برای متهم و کفیل و وثیقه گذار قائل شده است. و تنها موردی که می‌توان به اصل قرار اعتراض نمود در ماده ۲۳۹ ذکر شده است و طبق این ماده حق اعتراض به قرار بازداشت موقت می‌بایست در متن قرار ذکر شود. در خصوص اعتراض به قرار کفالت یا وثیقه هیچ مقررهای وجود ندارد جز ماده ۲۲۶ که این حق را به متهم در صورتی داده است که به لحاظ عدم معرفی کفیل یا وثیقه گذار متهم بازداشت شود، در این صورت است که متهم می‌تواند نسبت به اصل قرار منتهی شده به بازداشت (کفالت یا وثیقه) اعتراض نماید.

۲. ماده ۱۴۰ در این خصوص بیان می‌دارد: «هیئت تحقیقاتی بازپرسی درباره درخواست شخص، ظرف مدت پنج روز، با قرار موجه‌ای رأی می‌دهد. در صورت عدم تصمیم‌گیری هیئت تحقیقاتی بازپرسی در این مدت، شخص می‌تواند به‌طور مستقیم ←

مختص نمی‌شود، بلکه در آثار و قواعد اجرای قرارهای نظارت قضایی ویژگی‌هایی وجود دارد، که در ادامه بنا به ضرورت روشن شدن این ویژگی‌ها، برای مقایسه با قواعد آیین دادرسی کیفری فرانسه در این خصوص، برخی از آن‌ها نیز روشن خواهد شد.

۵. در انواع قرارهای نظارت قضائی:

پیش از بررسی قرارهای نظارت قضایی، باید به نکته‌ای اشاره کرد و آن این است که مبحث هفتم از قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه قرارها را به سه دسته تقسیم و به آن پرداخته است؛ ماده ۱۳۸ الی ۱۴۲-۴ به قرار نظارت، ماده ۵-۱۴۲ الی ۱۳-۱۴۲ به قرار حضور در محل با نظارت الکترونیکی و ماده ۱-۱۴۳ الی ۸-۱۴۸ به قرار بازداشت موقت پرداخته است. لیک در مقررات ما همین مباحث به دو دسته قرارهای تأمین، ذکر شده در ماده ۲۱۷ و قرارهای نظارت قضایی، ذکر شده در ماده ۲۴۷ تقسیم‌بندی شده‌اند. یعنی بسیاری از مواردی که در آیین دادرسی کیفری فرانسه تحت عنوان قرارهای نظارت قضایی به آن پرداخته و قواعد خاص خود را دارد در مقررات ما در کنار قرار بازداشت موقت و در ذیل عنوان "قرار تأمین" ذکر شده‌اند و خواه‌ناخواه جز در موارد استثنایی که ضوابط خاص هر یک به‌طور ویژه بیان شده‌اند، مشمول مقررات عام قرارهای تأمین قرار دارند. ماده ۲۴۷ ق.آ.د.ک ایران قرار نظارت کیفری را شامل یک یا چند مورد از این دستورها دانسته است: ۱- معرفی نوبه‌ای خود به مراکز یا نهادهای تعیین‌شده توسط بازپرس ۲- منع رانندگی با وسایل نقلیه موتوری ۳- منع اشتغال به فعالیت‌های مرتبط با جرم ارتكابی ۴- ممنوعیت از نگهداری سلاح دارای مجوز ۵- ممنوعیت خروج از کشور. لازم به ذکر است که این قرارها حصری است و شامل هر دستوری که بازپرس لازم بداند نیست، لذا بازپرس از دادن هرگونه دستوری که لازم بداند ولی در این پنج مورد نگنجد، باید خودداری نماید، هرچند دست بازپرس باز است که یک یا چند مورد از دستورها را صادر نماید. با دقت در ماده ۲۴۷ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲، می‌توان قرارهای نظارت را به دو دسته قرارهای نظارت قضایی حاوی

→ درخواست خود را به شعبه تحقیق که بر اساس درخواست‌های کتبی و موجه دادستان استان، ظرف بیست روز از تاریخ ارجاع، تصمیم‌گیری می‌نماید، ارجاع دهد. در غیر این صورت، رفع نظارت قضایی به‌طور خودکار صورت می‌پذیرد مگر در صورتی که بررسی‌هایی در مورد درخواست شخص، دستور داده شده باشد.»

تکالیف ایجابی و قرارهای نظارت حاوی تکالیف سلبی تقسیم‌بندی کرد. فلذا ذیل این نوع تقسیم‌بندی به بررسی تطبیقی آن‌ها می‌پردازیم.

۵.۱. قرار نظارتِ حاوی دستور ایجابی

این نوع قرار همان‌طور که از نامش پیداست قرار است که انجام دادن فعلی را بر دوش متهم می‌گذارد. بند (الف) ماده ۲۴۷ را می‌توان از نوع قرار نظارتی دانست که دستور آن ایجابی است. طبق این بند متهم موظف است که وظیفه و دستوری که مقام قضائی بر عهده او گذاشته است را اجرا کند، یعنی متهم در زمان‌های تعیین شده، به مراکز یا نهادهای معرفی شده توسط بازپرس معین شده‌اند می‌بایست خود را معرفی نماید. بنابراین از پنج مورد قرار نظارت قضائی یک مورد آن ایجابی و چهار مورد دیگر دربردارنده دستورهای سلبی می‌باشند. در حقوق فرانسه، قرارهای نظارت قضائی در ماده ۱۳۸ قانون آیین دادرسی کیفری ذکر شده‌اند؛ برخلاف قرارهای نظارت پیش‌بینی شده در ماده ۲۴۷ ق.آ.د.ک ایران، در فرانسه دایره قرارهای نظارت کیفری بسیار گسترده‌تر است. از جمله قرارهای نظارت قضایی از نوع ایجابی ذکر شده در این ماده می‌توان به: حضور به‌صورت دوره‌ای نزد واحدها، نهادهای صالح یا مقامات منتخب هیئت تحقیقاتی بازپرسی یا قاضی آزادی‌ها و بازداشت که ملزم به رعایت دقیق رازداری در مورد اعمال انتسابی به شخص تحت بررسی هستند ((۵)-۱۳۸))؛ پاسخگویی به دعوت هر مقام، نهاد یا شخص صالح منتخب هیئت تحقیقاتی بازپرسی یا قاضی آزادی‌ها و بازداشت و در صورت اقتضا، تبعیت از تدابیر نظارتی مطرح در مورد فعالیت‌های حرفه‌ای یا در مورد پشتکار در آموزش و تدابیر اجتماعی-آموزشی مختص به تسهیل بازپروری اجتماعی او و پیشگیری از تکرار جرم ((۶)-۱۳۸))؛ تحویل کلیه مدارک شناسایی هویت و به‌ویژه روادید، در مقابل دریافت رسیدی که ارزش توجیه‌کنندگی هویت را دارد، به دفتر دادگاه یا واحد پلیس یا بریگارد ژاندارمری ((۷)-۱۳۸))؛ تبعیت از تدابیر مربوط به معاینه، درمان یا مراقبت، حتی هنگام بستری شدن در بیمارستان به‌ویژه به‌منظور ترک اعتیاد ((۱۰)-۱۳۸)) می‌توان نام برد.

در این قسمت لازم است به قرار نظارت الکترونیکی نیز اشاره‌ای داشته باشیم. در کنار استفاده از ابزار الکترونیکی به‌عنوان جایگزین حبس که چند دهه بیشتر از ابداع آن نمی‌گذرد، در همین دوران و بلکه قبل از آن دولت‌ها از این ابزار در اهداف دیگری همچون پیشگیری از وقوع جرم و

کشف جرم به‌عنوان پاسخ پیشینی به پدیده بزه‌کاری بهره‌گرفته‌اند (عظیمی، عبدالله زاده، ۱۳۹۱: ۱۸۲). در مواردی استفاده از شیوه مراقبت و نظارت الکترونیکی باهدف جایگزینی برای مجازات حبس صورت می‌گیرد. چارچوب نظری استفاده و به‌کارگیری از این شیوه به‌منظور یافتن جایگزینی برای مجازات حبس به‌عنوان پاسخ پسینی به پدیده مجرمانه را باید از یک‌سو زدودن و کاهش آثار زیان‌بار اجتماعی، اقتصادی، اخلاقی و روانی استفاده‌گسترده از مجازات حبس دانست و از سوی دیگر فراهم ساختن زمینه تحقق اهداف و فلسفه مجازات بزه‌کاران یعنی اصلاح و بازپروری مجرمان و در نتیجه کاهش و کنترل بزه‌کاری تحلیل و تفسیر کرد؛ ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی در این خصوص بیان می‌دارد: «در جرائم تعزیری از درجه پنج تا درجه هشت، دادگاه می‌تواند در صورت وجود شرایط مقرر در تعویق مراقبتی، محکوم به حبس را با رضایت وی در محدوده مکانی مشخص تحت نظارت سامانه (سیستم) های الکترونیکی قرار دهد.»

به‌هرحال، بیش‌ترین اشخاصی که در بدو امر از برنامه‌های نظارت الکترونیکی منتفع می‌شدند، محکومان به جرائم راهنمایی و رانندگی بودند؛ ولی از سال ۱۹۸۹، مرتکبان جرائم علیه اموال و مجرمان مواد مخدر عمده‌ترین بهره‌وران این برنامه‌ها را تشکیل می‌دهند (تدین ۵۹: ۱۳۸۷) آنچه گفتیم در مورد محکومان بود ولی در محدوده قرارها، هرچند که از این نوع قرار تاکنون در قوانین کیفری ما ذکری به میان نیامده بود، اما نهایتاً قانون‌گذار در ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ ذیل قرارهای تأمین از آن یاد کرده است. سؤالی که اینجا مطرح می‌شود این است که این قرار ماهیتاً جزو قرارهای تأمین محسوب می‌شود و یا اینکه ماهیت جداگانه‌ای دارد؟ این پرسش در به دنبال بررسی ویژگی‌های این قرار به ذهن متبادر می‌شود؛ همان‌طور که گفتیم یکی از ویژگی‌هایی که در قرارهای تأمین وجود دارد این است که می‌توان بیش از یکی صادر نمود، در این‌که نظارت الکترونیکی بند "چ" ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ را به خود اختصاص داده و یکی از موارد ده‌گانه است هیچ‌شبه‌ای وجود ندارد، لیکن مسئله‌ای که وجود دارد این است که نظارت الکترونیکی به‌تنهایی در این بند گنجانده نشده، بلکه التزام با تعیین وجه التزام نیز ضمیمه آن است و نمی‌توان به‌تنهایی قرار نظارت الکترونیکی را صادر نمود. پس از لحاظ نظری و لغوی (همان‌طور که از نامش پیداست) می‌توان گفت این قرار ماهیتاً جزو قرارهای نظارت قضایی محسوب می‌شود ولی از لحاظ قانونی این قرار با شرایطی که در بند "چ"

ماده ۲۱۷ آمده است، یک قرار تأمینی به شمار می‌آید. این در حالی است که قانون‌گذار فرانسه در ماده ۵-۱۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه ماهیت جداگانه‌ای را برای نظارت الکترونیکی در نظر گرفته است، ماهیتی که از یک سو مثل تمام قرارهای نظارت قضایی باید مدت آن مشخص باشد (۷-۱۴۲) و حداکثر شش ماهه است، برخلاف قانون آیین دادرسی کشور ما، همان‌طور که بیان کردیم، تعیین مدت در قرارهای تأمین مدنظر قانون‌گذار نبوده است و از سوی دیگر طبق بند آخر ماده ۵-۱۴۲ می‌توان الزامات مقرر در ماده ۱۳۸ (دستورهای نظارت قضایی) را برای فردی که تحت نظر با قرار نظارت الکترونیکی است، در نظر گرفت.

۵.۲. قرار نظارت حاوی دستور سلبی:

برخلاف قرارهای نظارت ایجابی، این نوع قرار، انجام ندادن کاری را از متهم می‌خواهد، یا به عبارت بهتر متهم را از انجام دادن فعلی بر حذر می‌کند. بند ب، پ، ت، ث ماده ۲۴۷ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ با ذکر دو منع (منع رانندگی با وسایل نقلیه موتوری، منع اشتغال به فعالیت‌های مرتبط با جرم ارتكابی) و دو ممنوعیت (ممنوعیت از نگهداری سلاح دارای مجوز، ممنوعیت از خروج کشور)، از نوع سلبی می‌باشند. با در نظر گرفتن آنچه پیش‌ازاین به آن اشاره کردیم و گفتیم که بسیاری از آنچه در ذیل قرارهای تأمین در کشور ما وجود دارد در فرانسه از آن‌ها به قرار نظارت قضایی یاد می‌شود، می‌توان گفت شبیه چهار قرار نظارت حاوی دستور سلبی ذکر شده در ماده ۲۴۷ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲، به ترتیب در شماره‌های (۸)، (۱۲)، (۱۴)، (۱) ماده ۱۳۸ ق.آ.د.ک فرانسه ذکر شده‌اند، البته با تفصل بیشتر، برای مثال زمانی که صحبت از قرار نظارت با دستور خودداری از رانندگی وسایل نقلیه به میان می‌آید، بند ۸ ماده ۱۳۸ ق.آ.د.ک فرانسه این اختیار این تصمیم‌گیری را به مقام صادرکننده قرار نظارت می‌دهد که اگر صلاح‌دید، استفاده از گواهینامه برای انجام فعالیت حرفه‌ای را، به متهم بدهد^۱. اما این ماده موارد دیگری را نیز شامل می‌شود که در ماده ۲۴۷ و در بحث قرار نظارت قضایی پیش‌بینی نشده است. عدم غیبت از

۱. از دیگر موارد می‌توان بند ۱۲ ماده ۱۳۸ ق.آ.د.ک فرانسه را نام برد که شبیه آن در بند پ ماده ۲۴۷ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ ذکر شده، موضوع هر دو ماده "منع اشتغال به فعالیت‌های مرتبط با جرم" است، با این تفاوت که قانون‌گذار ما دستور را به‌طور عام ذکر کرده، درحالی‌که قانون‌گذار فرانسه قیود و استثناهایی برای این دستور آورده و بیان می‌کند «نپرداختن به برخی فعالیت‌های حرفه‌ای یا اجتماعی - به‌استثنای نمایندگی انتخاباتی یا مسؤولیت‌های صنفی - زمانی که جرم در انجام یا به مناسبت انجام این فعالیت‌ها ارتكاب شده است و...»

اقامتگاه خود یا محل سکونت معین شده توسط هیئت تحقیقاتی بازپرسی یا قاضی آزادی‌ها و بازداشت مگر در شرایط و برای علل تعیین شده توسط این قاضی ((۲)-۱۳۸))؛ عدم رفت‌وآمد به برخی مکان‌ها یا فقط رفت‌وآمد به مکان‌های معین شده توسط هیئت تحقیقاتی بازپرسی یا قاضی آزادی‌ها و بازداشت ((۳)-۱۳۸))؛ خودداری از پذیرفتن یا ملاقات با برخی اشخاص تعیین شده توسط هیئت تحقیقاتی بازپرسی یا قاضی آزادی‌ها و بازداشت و ارتباط برقرار کردن با آن‌ها از هر طریقی که باشد ((۹)-۱۳۸))؛ عدم صدور چک مگر چک‌هایی که استثنائاً اجازه استرداد وجوه توسط صادرکننده را به دارنده چک می‌دهند یا چک‌های تضمین شده، و در صورت مقتضی، تحویل دسته‌چک‌هایی که استفاده از آن‌ها ممنوع است، به دفتر دادگاه ((۱۳)-۱۳۸)) از این قبیل است.

در زمان تصویب قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۸، در ماهیت قرار عدم خروج متهم از کشور اختلافاتی بود، عده‌ای از حقوق دانان قرار عدم خروج متهم از کشور را قرار تأمین جدید می‌دانستند. ولی به نظر برخی از حقوق دانان «قرار مزبور هر چند می‌تواند تا حدی از لحاظ اثر و نتیجه، همانند قرارهای تأمین و در واقع تکمیل کننده آن‌ها باشد، ولی چون با قرارهای تأمین قابل جمع بوده و از لحاظ صدور و قابلیت اعتراض و اهدافی که دنبال می‌کند، با قرارهای تأمین فرق دارد لذا نمی‌توان آن را قرار تأمین به معنای واقعی کلمه دانست». برای اطلاعات بیشتر ر.ک (آخوندی، ۱۳۸۲: ج ۵: ۱۳۸) و (آشوری، ۱۳۸۸: ۲۶۵). اما قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به این اختلافات پایان داده و این نوع قرار را در ذیل قرارهای نظارت قضائی ذکر کرده و همانند سایر دستورهای نظارت قضائی هم به تنهایی و توأم با قرارهای تأمین قابلیت صدور را دارد. اما فارغ از تعیین تکلیف شدن در مورد قرار عدم خروج از کشور و اینکه این قرار جزو قرارهای نظارت کیفری محسوب شد، اما همچنان نقد و اشکال به این قرار رفع نشده است و آن ضرورت یا عدم ضرورتی است که در پس اهمیت صدور این قرار نهفته است؛ با این توضیح که زمانی که از متهم تأمین مناسب اخذ شده است، آیا ممنوع‌الخروج نمودن وی نیز لازم و ضروری است؟ به قول یکی از نویسندگان: «من نمی‌دانم چه ضرورتی ایجاب می‌کند تا متهمی که با وثیقه یا کفالت آزاد شده است ممنوع‌الخروج از کشور نیز باشند، چرا تا این حد درباره متهم سخت‌گیری روا داشته‌اند- هر چند قبل از این قانون) قانون آئین دادرسی کیفری

مصوب ۱۳۷۸) نیز مقرراتی در مورد ممنوع‌الخروج شدن متهم وجود داشت، اما این مقررات مربوط به زمان قبل از اخذ تأمین بوده، پس از اخذ تأمین، ممنوعیت خروج از کشور باید منتفی شود» (آخوندی، ۱۳۷۹: ۲۴). این در حالی است که در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه هیچ ضرورتی به ممنوع‌الخروج نمودن متهم همراه با صدور قرار تأمین مناسب وجود ندارد و صدور این قرار تابع بند اول ماده ۱۳۷ می‌تواند صادر و در صورت ناکافی بودن است که طبق قاعده الاسهل فالاسهل به صدور قرار نظارت یا بازداشت موقت برای متهم می‌انجامد.

البته چنین دستورهایی به‌طور کامل از دید قانون‌گذار مورد اغفال قرار نگرفته، بلکه جای آن‌ها در مبحث قرارهای نظارت خالی است، وگرنه در فصل سوم از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در ذیل وظایف و اختیارات دادستان، در ماده ۸۱ که به بیان تعلیق تعقیب پرداخته و همچنین در فصل پنجم از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در ذیل مبحث تعویق صدور حکم، در صورت وجود شرایط لازمه، ماده ۴۲ به بیان تدابیر تعویق مراقبتی پرداخته و با نگاه به این دو ماده (۴۲ ق.م.ا و ۸۱ ق.آ.د.ک) و همچنین ماده ۲۳ ق.م.ا متوجه تنوع و گسترده بودن دایره این دستورها و تدابیر از این نوع می‌شویم.

۶. مرجع صالح در صدور قرار نظارت قضائی

در ایران مرجع صالح صدور قرار نظارت قضائی همانند قرارهای تأمین، زمانی که پرونده در دادسرا می‌باشد بازپرس است؛ هرچند که صدور، تشدید، ابقا و یا تخفیف برخی از قرارهای تأمین نظر دادستان نیز لازم است و دادستان می‌تواند در فک، تخفیف و یا تشدید آن‌ها دخالت کند، اما در قرارهای نظارت قضائی که توسط بازپرس صادر می‌شود نه‌تنها برای صدور و اجرا نیازی به تأیید دادستان ندارد، بلکه اگر بازپرس پس از صدور قرار نظارت بنا بر علل موجهی، متوجه عدم تناسب قرار نظارت گردد، می‌تواند تصمیم به الغاء، تخفیف و یا تشدید قرار نظارت بگیرد، بدون اینکه نیازی به تأیید دادستان داشته باشد؛ چون طبق تصریح ماده ۲۴۲ ق.آ.د.ک "فک یا تخفیف قرار بدون نیاز به موافقت دادستان انجام می‌شود و ابقای تأمین باید به تأمین دادستان برسد و در صورت مخالفت دادستان، حل اختلاف با دادگاه صالح است. فک، تخفیف یا ابقای بازداشت

۱. ماده ۲۴۷ آ.د.ک: «بازپرس می‌تواند متناسب با جرم ارتكابی، علاوه بر صدور قرار تأمین، قرار نظارت قضائی را که شامل یک یا چند مورد از دستورهای زیر است، برای مدت معین صادر کند...»

موقت، باید به تأیید دادستان برسد" و در این ماده هیچ ذکر از نیاز به تأیید دادستان در قرارهای نظارت صادرشده از سوی بازپرس نشده است. اما زمانی که پرونده در دادگاه مطرح است، دادگاه در صورتی می‌تواند قرار نظارت قضایی را صادر نماید، که از متهم قبلاً تأمین اخذ نشده باشد و یا تأمین قبلی منتفی شده باشد. بنابراین صدور قرار نظارت برای متهم در زمانی که پرونده در دادگاه قرار دارد، منوط به عدم صدور یا منتفی شدن قرار تأمین در زمانی است که پرونده در دادسرا قرار داشته است.^۱ در فرانسه یکی از تحولاتی که در قانون آیین دادرسی کیفری ایجاد شده است و تلاش برای ارتقاء حقوق بشر و حقوق دفاعی متهم را هدف و مقصود خود قرار داده، تصویب قانون ۱۵ ژوئن ۲۰۰۰ درباره تقویت حمایت از اصل برائت و حقوق بزه دیدگان است.^۲ از جمله تغییراتی که در این قانون دیده می‌شود مربوط به همین مرجع صدور قرارهای تأمین و نظارت قضایی است. این قانون همراه با تحدید اختیارات بازپرس در صدور قرار بازداشت موقت با ایجاد قاضی جدیدی به نام "قاضی آزادی‌ها و بازداشت (le juge des libertés et de la détention)" که از بزرگ‌ترین نوآوری‌های این قانون است، همراه بوده است. بند دوم ماده ۱۳۷-۱ در تعریف قاضی آزادی‌ها و بازداشت مقرر می‌دارد: «قاضی آزادی‌ها و بازداشت، یک صاحب‌منصب قضایی نشسته و هم‌ردیف رئیس، معاون اول یا معاون رئیس است. او توسط رئیس دادگاه شهرستان انتخاب می‌شود». با این ترتیب، در حال حاضر در دو ماده ۲-۱۳۷ و ۲-۱۳۵ (بند سوم) قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه،^۳ قاضی آزادی‌ها و بازداشت به‌عنوان مرجع صالح برای صدور قرار نظارت قضایی در کنار ماده ۱۳۹ که بیان می‌دارد: «متهم با قرار هیئت تحقیقاتی بازپرسی که می‌تواند در هر مرحله از تحقیقات گرفته شود، تحت نظارت قضایی قرار داده شود» به رسمیت شناخته شده است. بنابراین این دو مرجع در کنار یکدیگر به‌عنوان مراجع صالح برای صدور قرار نظارت قضایی به رسمیت شناخته شده‌اند. اما زمانی که پرونده در دادگاه مطرح می‌شود، ماده ۱-۱۴۱ اختیارات اعطاشده به هیئت تحقیقاتی بازپرسی در مورد صدور یا رفع اثر از قرارهای نظارت را به مراجع صالح قضایی که دادرسی را انجام می‌دهند، داده است.

1. La loi n 2000-515 du 15 Juin 2000 renforçant la présomption d'innocence et les droits des victimes.

۲. بند ۲ ماده ۱۳۷: «نظارت قضایی همچنین می‌تواند هنگامی که قاضی آزادی‌ها و بازداشت، مورد درخواست قرار می‌گیرد، توسط وی دستور داده می‌شود. «بند ۳ ماده ۲-۱۳۵: «قاضی آزادی‌ها و بازداشت می‌تواند بر اساس درخواست‌های دادستان شهرستان، شخص را تحت نظارت قضایی قرار دهد...».

۷. در اجرا یا عدم اجرای قرارهای نظارت

قرارهای تأمین و نظارت قضایی، بدون تردید یکی از وسایل ضروری و مهم در رسیدگی به امر کیفری است و هیچ‌یک از سیستم‌های فعلی نمی‌تواند خود را به کلی از آن بی‌نیاز بداند، باین‌وجود مسئله‌ای که وجود دارد زیر پا گذاشتن این قرارها توسط متهم است، درحالی‌که ضرورت‌ها و مقتضیات صدور همچنان باقی است و از متهم چیزی جز رعایت مفاد در قرارهای تأمین و رعایت دستور در قرارهای نظارت قضایی انتظار نمی‌رود. و این خود می‌طلبد تا بر اجرای دستور یا عدم اجرای قرار مقرراتی وضع شود تا از گریز متهم از اجرای آن جلوگیری نماید.

۷.۱. در اجرای دستور

تنها مقرره‌ای که در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در خصوص اجرای دستورهای مقرر در قرار نظارت قضایی به آن اشاره شده، ماده ۲۵۳ است که بیان می‌دارد: «در صورتی که متهم دستورهای مندرج در قرار نظارت قضائی را رعایت نماید، بنا به درخواست وی که باید به تأیید دادستان برسد و یا پیشنهاد دادستان، دادگاه می‌تواند با رعایت مقررات قانونی در مجازات وی تخفیف دهد». این تخفیف در مجازات زمانی می‌تواند صورت گیرد که قاضی حکم به محکومیت متهم صادر نماید. و در صورت صدور حکم به برائت و یا صدور قرار منع تعقیب هیچ آثاری بر رعایت از دستور مترتب نمی‌شود که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد. ولی نکته‌ای که در این خصوص می‌توان به آن اشاره کرد این است که، چه خصیصه‌ای در قرارهای نظارت قضایی ذکر شده در ماده ۲۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری وجود دارد که در قرارهای تأمین ذکر شده در ماده ۲۱۷ نیست؛ که باعث شده تخفیف در مجازات به این سبب (رعایت مفاد قرار) مختص به قرارهای نظارت باشد؟ به‌طور مثال چه خصیصه‌ای در اجرای قرار نظارتی ممنوعیت از نگهداری سلاح دارای مجوز وجود دارد که در رعایت قرار تأمین التزام به حضور با قول شرف توسط متهم وجود ندارد؟ به نظر هیچ فلسفه‌ای جز تشویق متهم به اجرای مفاد قرار نظارت در پس این ماده قرار ندارد، که عدم شمولیت آن در مورد قرارهای تأمین نیز جز بی‌توجهی و غفلت قانون‌گذار به چیز دیگری بر نمی‌گردد.

در خصوص رعایت الزامات ناشی از قرارهای نظارت قضایی، در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه و این‌که چه آثاری مترتب بر آن است، هیچ مقرره‌ای وجود ندارد، جز زمانی این‌که نظارت

قضایی از نوع وثیقه باشد و متهم در کلیه مراحل دادرسی حضور داشته و به الزامات نظارت قضایی رضایت دهد و تابع اجرای رأی گردد، در این صورت است که می‌توان از آن قسمت وثیقه که تضمین‌کننده حضور شخص متهم در هر مرحله از دادرسی است رفع اثر نمود (مستنبط از مواد ۱۴۲ و ۱۴۲-۲ ق.آ.د.ک فرانسه) و در مورد این که آیا می‌توان در مجازات فرد متهم، مثل ماده ۲۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری کشورمان، نیز این موارد را لحاظ نمود، و در محکومیت فرد تخفیف قائل شد، ماده‌ای وجود ندارد.

۷.۲. در سرپیچی از دستور

در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ ضمانت اجرای عدم اجرای سرپیچی از قرار نظارت قضایی بسته به زمانی که قرار نظارت به‌تنهایی و مستقلاً صادر شده و زمانی که توأم با قرار تأمین است متفاوت است و این موارد در ماده ۲۴۵ ق.آ.د.ک پیش‌بینی شده، که بیان می‌دارد: «هرگاه متهم از اجرای قرار نظارت قضائی که توأم با قرار تأمین صادر شده است، تخلف کند، قرار نظارت لغو و قرار تأمین، تشدید می‌شود و در صورت تخلف متهم از اجرای قرار نظارت مستقل، قرار صادره به قرار تأمین متناسب تبدیل می‌گردد. مفاد این ماده در حین صدور قرار نظارت قضائی به متهم، تفهیم می‌شود». البته در تبصره همین ماده ذکر شده است که در هر حال نمی‌توان قرار صادره را به قرار بازداشت موقت تبدیل کرد. پس در فرضی که از متهم قرار وثیقه و قرار نظارتی منع رانندگی با وسیله نقلیه موتوری اخذ شده است و متهم را در حین رانندگی دستگیر نمایند، تشدید قرار به صورت لغو قرار نظارتی و تبدیل قرار وثیقه به قرار بازداشت موقت نیست، بلکه تشدید می‌تواند با افزایش مبلغ وثیقه (تبصره ماده ۲۴۳) صورت پذیرد. قانون آیین- دادرسی کیفری فرانسه در ماده ۲-۱۴۱ در این خصوص بیان می‌دارد: «اگر متهم با اراده خود از الزامات نظارت قضایی تبعیت نکند، هیئت تحقیقاتی بازپرسی می‌تواند علیه او، دستور بازداشت یا جلب صادر نماید» و همچنین در ادامه این ماده آمده است که این صاحب‌منصب قضایی برای دستور دادن به استقرار ذینفع تحت بازداشت موقت صالح است. همچنین این اختیار را به دادگاه جنایی داده است که به درخواست دادسرا فردی که از الزامات نظارت قضایی‌شانی خالی کرده است را حبس یا دستور بازداشت وی را صادر نماید. به نظر می‌رسد با توجه به گستردگی قرارهای تأمین دست مقام قضایی ما برای زمانی که فرد از دستور سرپیچی می‌کند بازتر از دست

مقام قضایی فرانسه است، چراکه تخلف از قرار نظارت قضایی در فرانسه به یکی از دو مورد بازداشت موقت و دستور جلب منتهی خواهد شد؛ درحالی که در کشور ما گستره تشدید به بازداشت موقت محدود نمی‌شود بلکه تشدید با توسل به سایر موارد ذکر شده در ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری بلاشکال است و تنها قید "متناسب بودن" ذکر شده در ماده ۲۵۳ را مقام قضایی باید مورد توجه قرار دهد. و چه بسا همین قید موجب خروج حداقل دو بند الف و پ شود! چراکه زمانی که از دستور سرپیچی می‌شود، چه تضمینی وجود دارد که متهم زیر قول خود نزند. نقطه مشترک بین مقررات آیین دادرسی کیفری ایران و فرانسه در این خصوص بحث ارادی بودن سرپیچی است که موجب می‌شود تشدید قرار به موجب علل خارج از اراده متهم، که باعث می‌شود فرد قرار صادره را رعایت ننماید، نشود.

سؤالی که ممکن است پیش آید این است که در هر دو فرض اجرا یا عدم اجرای دستور، در صورتی که حکم بر برائت متهم صادر شود، تکلیف چیست؟ به هر حال، مدتی چه کم یا زیاد فردی از حقوق خود محروم شده است، (مانند: حق رفت و آمد آزاد، حق رانندگی و اشتغال) و یا وظیفه‌ای بر او تحمیل شده است (مانند: معرفی نوبه‌ای خود)، حال حکم برائت یا قرار منع تعقیب وی صادر شده است و بی‌گناه بودن فرد محرز شده است. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به صراحت در ماده ۲۵۵ جبران خسارت ناشی از متهم را فقط مختص افرادی می‌داند که در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی به هر علت بازداشت شده‌اند و این دسته از افراد هستند که طبق ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری می‌توانند ضرر و زیان‌های مادی، معنوی که از بازداشت به آن‌ها وارد شده یا منافع ممکن‌الوصولی را که در ایام بازداشت از آن محروم شده‌اند را دریافت نمایند. بنابراین و با توجه به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ برای جبران خسارت‌هایی که به موجب قراهای نظارت بر فرد متهم وارد شده و نهایتاً فرد متهم برائت یافته یا قرار منع تعقیب وی صادر شده است، مقرره‌ای در نظر گرفته نشده است. در مقررات آیین دادرسی کیفری فرانسه نیز برای قرارهای نظارت کیفری مثل قوانین ما، جبران خسارتی پیش‌بینی نشده، ولیکن این در حالی است که در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، به شخص موضوع استقرار تحت تدبیر حضور در محل سکونت با نظارت الکترونیکی، حق درخواست جبران خسارت را قائل شده است (ماده ۱۰-۱۴۲) در برداشتی می‌توان گفت جبران خسارت ناشی از

تحت نظارت الکترونیکی در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه به این خاطر است که به هر جهت مقتضیات و ضرورت‌های ماده ۵-۱۴۲ (در معرض حبس جنحه ای حداقل دو سال یا مجازات بسیار شدیدتر) باعث شده فرد تحت این نوع نظارت قرار گیرد و به تبع آن، آزادی رفت و آمد وی محدود به محل سکونت وی شود و از اکثر حقوق خود همانند حق اشتغال و... محروم شود و از این نظر تفاوتی با قرار بازداشت موقت ندارد. هرچند در نظر نگرفتن جبران خسارت (چه مادی و چه حداقل معنوی!) برای قرارهایی مثل اخذ وثیقه، کفالت و قرار تأمین با تعیین وجه التزام، جای تأمل دارد و دیدگاه‌های موافق و مخالفی را دارد، ولی بهتر بود قانون‌گذار مقرره‌ای را برای زمانی که فرد هیچ‌گونه سرپیچی که منجر به تشدید تأمین به این‌گونه قرارها شود، انجام نداده باشد، از خساراتی که در پی این قرارها به فرد متهم، وارد آمده در نظر می‌گرفت. و قابل دفاع‌تر از آن همان‌طور که گفتیم در نظر نگرفتن جبران خسارت از قرار تحت نظارت الکترونیکی قرار دادن، ضعف قانون را در این زمینه نشان می‌دهد، چراکه به گفته یکی از نویسندگان: «چنانچه به کشوری ناشناخته گام نهادید و مشتاق اطلاع از حدود و ثغور حمایت از آزادی‌های مدنی باشید، به قانون آیین دادرسی کیفری آن مراجعه نمایید» (آشوری، ۱۷۳). و لازم است قانون‌گذار به پیروی از شیوه خردمندان و با توجه به قواعدی چون لاضرر و لاجرم و تسبیب، مسبب اصلی این موارد را رها نکرده و این موارد را هم مشمول قواعد جبران خسارت بنماید.

۸. در اشخاص تحت قرار نظارت

در صدور قرار تأمین و قرار نظارت قضایی برای اشخاص حقوقی هیچ اختلافی وجود ندارد، حال آنکه در مورد این که آیا صدور قرارهای تأمین علیه اشخاص حقوقی نیز امکان دارد یا خیر بین حقوقدانان اختلافاتی وجود دارد. و سال‌های متمادی، تنها اشخاص طبیعی که به نمایندگی اشخاص حقوقی و به نام آن‌ها فعالیت می‌کردند، در صورت وقوع جرم، شخص طبیعی (رئیس، مدیر، مدیرعامل، نماینده، مأمور و مستخدم) مرتکب جرم شناخته می‌شدند (گلدوزیان، ۱۳۹۳: ۷۴) و قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ هیچ اشاره‌ای به مسئولیت کیفری داشتن اشخاص حقوقی نکرده بود، و به تبع این اظهار نظر نکردن یا مسئولیت کیفری قائل نشدن برای اشخاص حقوقی، قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ نیز هیچ اشاره‌ای به

صدور قرار تأمین علیه این دسته از اشخاص یا اخذ تأمین از اشخاص حقوقی نکرده بود. ولی با تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، قانون گذار به صراحت در ماده ۱۴۳ مسئولیت کیفری را برای شخص حقوقی در نظر گرفته و بیان می‌کند: «در مسئولیت کیفری اصل بر مسئولیت شخص حقیقی است و شخص حقوقی در صورتی دارای مسئولیت کیفری است که نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود و مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مانع مسئولیت اشخاص حقیقی مرتکب جرم نمی‌شود» بنابراین زمانی که مسئولیت کیفری برای این اشخاص در نظر گرفته شد، به تبع، ضرورت‌های شمرده شده که برای صدور و اخذ قرارهای نظارت و تأمین کیفری، را می‌توان برای این اشخاص هم لحاظ و قرار متناسب را صادر نمود. این در حالی است که قانون گذار ما هیچ اشاره‌ای به صدور قرار نظارت قضایی و تأمین علیه اشخاص حقوقی ننموده، این در حالی است که قانون گذار فرانسه این حق را برای هیئت تحقیقاتی بازپرسی قائل شده و طبق ماده ۴۵-۷۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه هیئت تحقیقاتی بازپرسی می‌تواند شخص حقوقی را تحت نظارت قضایی و تابع یک یا چند مورد از الزامات زیر قرار دهد:

۱. تودیع وثیقه‌ای که مبلغ و مهلت‌های پرداخت برای یک یا چند مرتبه، توسط هیئت تحقیقاتی بازپرسی تعیین می‌شود؛
۲. ایجاد تدابیر و اقدامات احتیاطی شخصی یا واقعی برای تضمین حقوق بزه دیده در یک مدت و برای یک دوره و با یک مبلغ معین شده توسط هیئت تحقیقاتی بازپرسی؛
۳. ممنوعیت صدور چک به استثنای چک‌هایی که اجازه استرداد وجوه نزد دارنده را توسط صادرکننده می‌دهد یا چک‌هایی که تضمین می‌شود یا ممنوعیت استفاده از کارت‌های پرداخت؛
۴. استقرار تحت نظارت نماینده دادگستری که توسط هیئت تحقیقاتی بازپرسی انتخاب می‌شود برای یک دوره شش ماهه قابل تمدید، برای فعالیتی که در اجرا یا به مناسبت آن، جرم ارتکاب یافته است.

بنابراین لازم بود قانون گذار در این مورد نیز مقرره‌ای را همانند قانون گذار فرانسه در نظر می‌گرفت، و بی‌تفاوت از کنار این موضوع عبور نمی‌کرد، درحالی که مسئولیت کیفری را برای این دسته از اشخاص در نظر گرفته است

نتیجه گیری

با توجه به آنچه گفته شد می توان به این نتیجه رسید که قانون گذار ما در مباحث مربوط به قرارهای تأمین و نظارت توجه بیشتری نسبت به گذشته نموده و هدف خود را بر این قرار داده که تا امکان دارد عرصه قرار بازداشت را تنگ تر نماید و از جمله این اقدامات، در نظر گرفتن قرارهای نظارت قضایی در کنار قرارهای تأمین و همچنین گسترده نمودن قلمروی قرارهای تأمین نسبت به قوانین قبلی است. با دقت در ماده ۲۴۷ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲، می توان قرارهای نظارت را به دودسته قرارهای نظارت قضایی حاوی تکالیف ایجابی و قرارهای نظارت حاوی تکالیف سلبی تقسیم بندی کرد. بند الف این ماده ایجابی و سایر بندها حاوی دستورهای سلبی است. البته بین قرارهای تأمین و نظارت قضایی تفاوت هایی و شباهت هایی وجود دارد شباهت هایی از قبیل: متناسب بودن، مستند بودن، و تفاوت هایی چون عدم وجود محدودیت در صدور یک یا چند دستور نظارت قضایی و لزوم معین بودن مدت زمان قرار نظارت قضایی و قابل اعتراض بودن تمامی دستورهای ذکر شده در ذیل قرار تأمین که از سوی مقام قضایی صادر می شود، این در حالی است که چنین حقی به متهم در خصوص قرارهای تأمین جز در موارد خاص مانند ماده ۲۳۵ و ماده ۲۳۹ پیش بینی نشده است. نکته دیگر اینکه در ایران مرجع صالح صدور قرار نظارت قضائی همانند قرارهای تأمین، زمانی که پرونده در دادسرا است بازپرس است و او نه تنها برای صدور و اجرا نیازی به تأیید دادستان ندارد، بلکه اگر بازپرس پس از صدور قرار نظارت بنا بر علل موجهی، متوجه عدم تناسب قرار نظارت گردد، می تواند تصمیم به الغاء، تخفیف و یا تشدید قرار نظارت بگیرد، بدون اینکه نیازی به تأیید دادستان داشته باشد و در زمانی که پرونده در دادگاه قرار دارد قاضی می تواند چنین قراری را صادر نماید، در فرانسه در این خصوص اقدام بسیار مهمی صورت گرفته و به ایجاد نهادی مستقل به نام "قاضی آزادی ها و بازداشت" دست زده و علاوه بر وظیفه اختصاصی این مرجع برای صدور قرار بازداشت موقت، می تواند در کنار هیئت تحقیقاتی بازپرسی به صدور قرار نظارت قضایی بپردازد. و از آنجایی که فرانسه در مباحث آیین دادرسی کیفری در اکثر موارد یک گام جلوتر از قوانین کشور ما حرکت کرده و با توجه به اهمیت روزافزون احترام به آزادی و حقوق متهمین باید در آینده منتظر سلب اختیار صدور قرارهای نظارت از تمامی مراجع تحقیق و تعقیب و دادن این وظیفه به مرجعی مستقل که

کاملاً به دور از حب و بغض به صدور چنین قرارى دست بزنند باشیم. قرارهای نظارت قضائی در ماده ۱۳۸ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه ذکر شده‌اند؛ برخلاف قرارهای نظارت پیش‌بینی شده در ماده ۲۴۷ ق.آ.د.ک ایران، در فرانسه دایره قرارهای نظارت کیفری بسیار گسترده‌تر است. مبحث هفتم از قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه قرارها را به سه دسته تقسیم و به آن پرداخته است؛ گفتار اول به قرار نظارت، گفتار دوم به قرار حضور در محل با نظارت الکترونیکی و گفتار سوم به قرار بازداشت موقت پرداخته است. لیک در مقررات ما همین مباحث به دو دسته قرارهای تأمین، ذکر شده در ماده ۲۱۷ و قرارهای نظارت قضایی، ذکر شده در ماده ۲۴۷ تقسیم‌بندی شده‌اند. یعنی بسیاری از مواردی که در آیین دادرسی کیفری فرانسه تحت عنوان قرارهای نظارت قضایی به آن پرداخته و قواعد خاص خود را دارد در مقررات ما در کنار قرار بازداشت موقت و در ذیل عنوان "قرار تأمین" ذکر شده‌اند و خواه‌ناخواه جز در موارد استثنایی که ضوابط خاص هر یک به‌طور ویژه بیان شده‌اند، مشمول مقررات عام قرارهای تأمین قرار دارند. این تقسیم‌بندی‌های دوگانه و سه‌گانه در ایران و فرانسه معایب و مزایایی دارد من جمله این‌که با مشاهده قانون آیین دادرسی کیفری کشورمان تنها متوجه استثنا شدن شدیدترین قرار هستیم، که با سایر قرارهای تأمین کیفری می‌توان آن را محدود کرد. ولی هیچ ترتیبی توسط خود قانون از قرار نظارت قضایی به‌سوی قرارهای تأمین کیفری و به‌تبع شدیدترین آن (بازداشت موقت (پیش‌بینی نشده است. درحالی‌که با مشاهده ماده ۱۳۷ ق.آ.د.ک فرانسه می‌توان به استثنا شدن بازداشت موقت و محدود شدن آن با قرارهای نظارت قضایی پی برد که علاوه بر آن، با قرار نظارت الکترونیکی نیز دامنه آن محدود شده است و ترتیب و روال صدور قرار مرحله‌به‌مرحله، از خفیف‌ترین به شدیدترین یعنی از قرار نظارت قضائی به‌سوی بازداشت موقت کاملاً مشخص شده است و مرجع صدور قرار نمی‌تواند خارج از این روال و چهارچوب حرکت نماید. از مزایای گسترده بودن دایره قرارهای تأمین در قانون آیین دادرسی کشورمان این است که در هنگام سرپیچی از دستور در جهت تشدید قرار، دست مقام قضایی نسبت به مقام قضایی فرانسه بازتر است و محدود به تبدیل آن به قرار بازداشت موقت نیست و این به آن جهت است که حکم عقل ایجاب می‌کند که به دستورهای صادرشده احترام و آن‌ها را تا زمانی که از نظر مقام قضایی ضرورت وجود دارد می‌بایست اجرا نمود و بر اجرا یا عدم اجرای آن اثری مترتب است و در قانون آیین دادرسی

کشورمان برخلاف قانون آیین دادرسی فرانسه رعایت دستورات قرار نظارت قضایی می‌تواند موجب تخفیف در مجازات شود و سرپیچی از آن همانند قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه موجب تشدید قرار می‌شود، البته چگونگی قضایی تشدید در دو کشور باهم تفاوت‌هایی دارد که به آن اشاره شد. بنابراین با توجه به اهمیت مباحث تطبیقی در تکمیل نواقص حقوقی، می‌توان با تطبیق جوانب و مقررات مربوط به قرارهای نظارت قضایی با سایر کشورها و استفاده از مقررات و نکات مثبتی که در این مورد وجود دارد، بتوان هرچه بیش‌تر به حقوق متهم احترام قائل شد، درحالی‌که به نظم و حقوق عمومی نیز رعایت می‌شود.

منابع و مأخذ:

۱. آخوندی، محمود (۱۳۸۸)، **آیین دادرسی کیفری**، جلد دوم، چاپ هشتم، تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
۲. آخوندی، محمود (۱۳۷۹)، «بررسی قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری به لحاظ پیشبرد اهداف حقوق بشر»، **مجله حقوقی دادگستری**، شماره ۳۰، صص ۳۴-۹.
۳. آشوری محمد (۱۳۷۲)، «اصل برائت و آثار آن در امور کیفری (مطالعه تطبیقی)»، **دانشکده حقوق و علوم کیفری**، شماره ۲۹، صص ۷۲-۳۹.
۴. بهادری، علی (۱۳۸۹)، «روابط میان قوا در حقوق اساسی ج.ا.ا با نگاهی به نظریه کنترل و تعادل قوا»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع).
۵. پور رجب قاضی محله، فاطمه (۱۳۹۰)، «بازداشت موقت در حقوق کیفری ایران و انگلستان»، **دو فصلنامه راه وکالت**، شماره ۵ و ۶، صص ۱۶۹-۱۸۵.
۶. تدین، عباس (۱۳۸۷)، «نظارت الکترونیکی: گامی به سوی جایگزین زندان»، **مجله حقوقی دادگستری**، دوره جدید، شماره ۶۴، صص ۶۶-۵۵.
۷. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۱)، **مبسوط در ترمینولوژی حقوق**، ج ۵، چاپ دوم، تهران: گنج دانش.
۸. خالقی، علی (۱۳۸۷)، **آیین دادرسی کیفری**، تهران، انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
۹. شاملو احمدی، محمدحسین (۱۳۸۳)، **دادسرا و تحقیقات مقدماتی**، جلد اول، اصفهان، نشر دادیار.
۱۰. شریفی، محسن (۱۳۸۰)، «ژرف‌نگری پیرامون مکانیسم‌های تضمین‌کننده حقوق و آزادی‌های متهم در حقوق ایران با اهتمام به اعلامیه‌های حقوق بشر»، **مجله حقوقی دادگستری**، شماره ۳۵، صص ۹۶-۷۷.
۱۱. طاهری (۱۳۸۹)، «با آزادی خود به حقوق و آزادی‌های دیگران احترام بگذاریم»، **دوهفته‌نامه آگاهی حقوقی**، دوره چهارم، شماره ۶۰، ص ۱.
۱۲. عظیمی، سیدمیثم، عبدالله زاده حسن (۱۳۹۱)، «گستره فقهی - حقوقی نظارت و مراقبت الکترونیکی بر مجرمین»، **نشریه کارآگاه**، دوره دوم، شماره ۱۹، صص ۱۸۱-۲۰۸.
۱۳. عمرانی، سلمان (۱۳۸۸)، «بازداشت موقت و حقوق شهروندی در اروپا»، **نشریه دادنامه**، شماره ۳، صص ۳۴-۹.
۱۴. عمید زنجانی، عباسعلی؛ موسی زاده، ابراهیم (۱۳۸۹)، **نظارت بر اعمال حکومت و عدالت اداری**، چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران.

۱۵. غلامحسین، مسعود (۱۳۷۴)، **آیین دادرسی کیفری (قرارهای محدودکننده آزادی)**، چاپ اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۶. فدوی بنده قرائی، احمد، تقی زاده، ابراهیم، «آزادی و جایگاه آن در اندیشه حقوق بشری امام خمینی (ره)»، **فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی**، دوره اول، شماره ۱، صص ۵۱-۳۱.
۱۷. فرانک پس و دیگران (۱۳۸۳)، **نظریه‌های جرم‌شناسی**، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
۱۸. قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، مترجم: عباس تدین، معاونت حقوقی قوه قضاییه (۱۳۹۱)، چاپ اول، تهران: انتشارات خرسندی.
۱۹. گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۳)، **محشای قانون مجازات اسلامی**، چاپ دوم، تهران: انتشارات مجد.
۲۰. مصدق، محمد (۱۳۹۰)، «اندیشه‌ها، سیاست‌ها، نوآوری‌های لایحه آیین دادرسی کیفری»، **مجله دادرسی**، شماره ۸۷، صص ۱۰-۳.
۲۱. مصدق، محمد و همکاران (۱۳۸۷)، **قرارهای تأمین کیفری**، دفتر آموزش و پژوهش س.ق.ن.م.
۲۲. معین، محمد (۱۳۷۵)، **فرهنگ معین**، جلد نهم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۳. مهابادی، علی اصغر (۱۳۹۳)، **آیین دادرسی کیفری (کاربردی)**، چاپ اول، تهران: دوراندیشان.
۲۴. مؤذن زادگان، حسنعلی، «نقد و بررسی قرار بازداشت موقت در قانون دادرسی مصوب ۷۸»، **پژوهش حقوق عمومی**، بهار و تابستان ۱۳۸۰، شماره ۴، صص ۱۱۵-۱۵۲.
۲۵. ناجی زواره، مرتضی (۱۳۸۹)، «تناسب در قرارهای تأمین»، **فصلنامه تحقیقات حقوقی آزاد**، شماره ۸ و ۹ و ۱۰، صص ۲۵۹-۲۲۵.

